

اشکانیان

مقدمه

دوره حکومت اشکانی در مقایسه با دوره‌های قبل و بعد از خود (هخامنشیان و ساسانیان) طولانی‌تر بوده است. با این حال، آگاهی پژوهشگران از ایران عصر اشکانی کمتر از دیگر دوره‌هاست. برای مثال، مورخان دوره اسلامی در کتاب‌های خود، درباره آنان بسیار اندک نوشته‌اند، حتی برخی از آنان به مراحت اعلام می‌دارند که چیز زیادی از اشکانیان نمی‌دانند. علت این امر را دشمنی ساسانیان با آنان و کوشش برای محو آثارشان، عدم وجود حکومت مرکزی مقتدر در دوره اشکانی و در نتیجه، بی‌توجهی به ثبت اخبار در سال‌نامه‌ها و ... دانسته‌اند. در یکی، دو قرن اخیر، کاوش‌های باستان‌شناسی، مطالعه کتیبه‌های اشکانی، پژوهش‌های سکه‌شناسان و مانند آن به مورخان کمک کرد تا بتوانند شناخت بیشتری از این سلسله به‌دست آورند.

سلوکیان

شورش‌های مکرر در شرق و غرب کشور آرامش را از ایشان می‌گرفت. سرانجام در حالی که پارت‌ها از مشرق به تدریج پیش رفتند و سلوکیان را از ایران بیرون راندند، رومیان نیز که از غرب سربرآورده بودند و روز به روز بر قدرت خود می‌افزودند به عمر این سلسله خاتمه دادند.

تأسیس حکومت اشکانی

پارت‌ها گروهی از آریایی‌ها بودند که پس از مهاجرت در شمال شرقی ایران ساکن شدند.

پارت‌ها مردمانی چادرنشین بودند و زندگی سخت صحرانشینی، آنان را چابک، شجاع و پرتحرک بارآورده بود. آنان شجاع‌ترین و قوی‌ترین افراد قبیله را پهلوان می‌نامیدند. حدود هفتاد سال پس از تأسیس حکومت

خواندید که پس از مرگ اسکندر فرماندهان سپاه او بر سر قدرت به جنگ با یکدیگر پرداختند. بنابراین، تا مدت‌ها قلمرو بسیار وسیعی که او به کمک سپاهیانش فتح کرده بود، صحنه جنگ و کشمکش میان فرماندهان سپاه شد. عاقبت سلوکوس در بابل مستقر شد (۳۱۲ ق.م.) و مصر و سایر سرزمین‌ها نصیب دیگر فرماندهان مقدونی گشت. سلوکوس چندی بعد شهر سلوکیه را بنیان نهاد و آن را به پایتختی خود برگزید.

بدین ترتیب، سلسله‌ای از پادشاهان مقدونی در ایران پدید آمد که به سلوکیان مشهور شد. سلطه آنان کمتر از یک قرن بود؛ زیرا علاوه بر کشمکش‌های داخلی دربار سلوکی، بیگانه بودن آنها در میان ایرانیان و بروز

مهرداد، قلمرو اشکانیان را در شرق و غرب وسعت داد. مورخان مسلمان، حکومت اشکانیان را ملوک الطوائف نامیده‌اند؛ زیرا در طول حکومت آنان، پادشاهان مناطقی همچون ارمنستان، آذربایجان و پارس از استقلال داخلی برخوردار بودند و فقط هنگام جنگ به کمک شاه اشکانی می‌آمدند.



سکه نقره مربوط به زمان مهرداد اول یکی از پادشاهان معروف اشکانی

سلوکی، یکی از پهلوانان به نام اشک برضد سلوکیان قیام کرد (۲۴۸ ق.م.). سپاهی که دولت سلوکی برای سرکوبی اشک فرستاد از جنگاوران پارتی شکست خورد. مورخان، زمان این پیروزی را سال تأسیس حکومت اشکانی می‌دانند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

یکی از امپراتوران سلسله «هان» (۱۴۱-۸۷ ق.م.) در چین سفیری به دربار مهرداد دوم پادشاه اشکانی فرستاد که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. مهرداد به هنگام بازگشت سفیر چین، سفیری همراه او به چین اعزام کرد. به نظر شما اعزام سفیر برای دو کشور چه دستاوردی داشته است؟

از آن پس، پارت‌ها بر متصرفات خود افزودند و به تدریج به سوی غرب پیشروی کردند. تیرداد، برادر و جانشین اشک، در تثبیت حکومت اشکانی نقش زیادی داشت.



قلمرو ایران در زمان اشکانیان

ایران و روم

هنگامی که اشکانیان مشغول بیرون راندن یونانیان بودند، حکومت قدرتمند روم در اروپا حکومت می کرد و هر روز بر اقتدار آن افزوده می شد. رومی ها علاوه بر فتح یونان و مصر در آسیای صغیر نیز پیشروی کردند و بقایای دولت سلوکی را از میان برداشتند. بدین ترتیب، با اشکانیان همسایه شدند. دیری نپایید که میان دو حکومت ایران و روم مشکلاتی پیش آمد؛ زیرا رومی ها در صدد توسعه متصرفات خود در آسیا بودند. دشمنی بین ایران و روم تا حدود ۷۰۰ سال، یعنی در سراسر دوران اشکانیان و ساسانیان، ادامه داشت. در طول این مدت دو کشور با یکدیگر بسیار جنگیدند که در

این جنگ ها، گاه ایران و گاه رومیان پیروز می شدند؛ اما در مجموع، ایرانیان با رشادت از کشور خود در برابر مهاجمان محافظت می کردند و برای استقلال ایران می کوشیدند. یکی از مشهورترین جنگ های ایران و روم، جنگ حرّان است که در سال ۵۳ ق.م. روی داد. در این سال، یکی از سرداران بزرگ روم به نام کراسوس^۱ - که تا پیش از آن به فتوح زیادی دست یافته بود - با سپاهی عظیم به سوی ایران رفت و قصد داشت ماجرای اسکندر را تکرار کند؛ اما سورنا فرمانده جوان ایرانی با درایت و شجاعت بسیار توانست او را شکست دهد و تعداد بسیاری از رومیان را اسیر کند.

یک توضیح

در زمان حمله کراسوس، اُرد پادشاه اشکانی بود. هنگامی که یکی از سپاهیان سر کراسوس را نزد اُرد برد، او مشغول تماشای نمایش نامه ای بود. مشهور است که سر کراسوس را جلوی پای اُرد انداختند. در این موقع، یکی از هنرپیشه ها آن سر را برداشت و با گفتن کلماتی، آن را به موضوع نمایش نامه مرتبط کرد.



یک جنگجوی عصر اشکانی. به این جنگجویان سواران سنگین اسلحه می گفتند. آیا می دانید چرا؟ به نظر شما، توانایی ها و محدودیت های این سواران چه بوده است؟

مسئله ارمنستان : سرزمین ارمنستان یکی از مهم ترین مسائل مورد نزاع میان ایران و روم بود. چرا که ارمنستان جزئی از قلمرو حکومت اشکانی بود؛ اما شاهان آن ایالت از استقلال داخلی برخوردار بودند. دولت روم در آنجا دخالت می کرد و سعی داشت آن سرزمین را از ایران جدا سازد؛ اما موفق نشد.



مسیرهای اصلی جاده ابریشم و مسیرهای فرعی آن در ایران

شرق ایران

علاوه بر مسئله ارمنستان، هجوم مداوم قبایل ساکن در شرق ایران نیز همواره ذهن دولتمردان اشکانی را به خود مشغول کرده بود. یکی از این اقوام، کوشان‌ها بودند که دولتی نیز تشکیل داده و چون به آیین بودا گرویده بودند، موجب گسترش این آیین در مرزهای شرقی قلمرو اشکانی شدند.

فرهنگ و تمدن عصر اشکانیان

حکومت اشکانی چگونه حکومتی بود؟ در حکومت اشکانیان، قدرت و نفوذ پادشاه همچون قدرت و نفوذ پادشاهان هخامنشی نبود. حاکمان محلی از استقلال داخلی برخوردار بودند و شاه در تعیین آنها نقش زیادی نداشت. در این دوره، مجلس مهستان در تصمیم‌گیری‌های مهم کشور مثل تعیین جانشین برای پادشاه یا تصمیم‌گیری برای جنگ نقش زیادی داشت. اعضای این مجلس را رهبران مذهبی، شاهزادگان، حاکمان مناطق و فرماندهان سپاه تشکیل می‌دادند. آنان



مجسمه یک مرد پارتی. این مجسمه از مهم‌ترین آثار به جا مانده از دوره اشکانی است.

املاک وسیعی داشتند و افراد زیادی را در زیر دستشان به خدمت گرفته بودند تا روی زمین‌هایشان کار کنند یا خدمات دیگری انجام دهند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، شیوه حکومت اشکانیان چه نتایجی

را در پی داشت؟

ایران نیز آیین بودایی گسترش پیدا کرد. از آنجا که حکومت اشکانی در امور مذهبی مداخله زیادی نمی‌کرد، زمینه مناسبی برای افزایش پیروان مسیحیت و آیین بودا فراهم شد. موبدان زردشتی از این سیاست دینی اشکانیان ناراضی بودند. آنان عقیده داشتند که حکومت اشکانی باید از دین زردشتی حمایت کند. چنان‌که خواهید خواند، یکی از علل سقوط اشکانیان نارضایتی همین گروه از حکومت اشکانیان بود.

خط و زبان: در عصر اشکانی، هر یک از اقوام و ملیت‌های مختلف ساکن در ایران به زبان ویژه خود سخن می‌گفتند؛ مانند پارت‌ها، یونانی‌ها، یهودی‌ها و ... همان‌گونه که گفته شد، از دوره اشکانی هم سنگ نوشته و هم پوست نوشته‌ها و نیز نوشته‌هایی بر روی ظروف سفالین باقی‌مانده که نشان‌دهنده خط رایج در آن زمان است. این نوشته‌ها هم به خط یونانی و هم به خط پهلوی اشکانی است. منشأ خط پهلوی اشکانی، خط آرامی بود که توسط دیران نگاشته می‌شد. ظروف سفالی که به ویژه در نسا در نزدیکی عشق‌آباد کنونی، یافت شده، کمک ارزشمندی به شناخت تاریخ و فرهنگ عصر اشکانی کرده است.



تصویری از معبد آناهیتا در کنگاور

در اوایل دوره اشکانیان، نفوذ فرهنگ یونانی در میان اشراف هنوز از میان نرفته بود. به طوری که آثار آن در شیوه زندگی، تفریحات و سرگرمی‌ها و شیوه نگارش آنان دیده می‌شد. با گذشت زمان، کشمکش و رقابت بزرگان کشور بیشتر شد، به طوری که هیچ یک از آنها برتری دیگری را نمی‌پذیرفت. ادامه این وضع موجب بروز آشفتگی و هرج و مرج و در نهایت، سقوط اشکانیان شد.

دین و اخلاق: در اوایل دوره اشکانی، مهرپرستی (میترائیسم) در ایران رواج بسیار داشت. در این زمان، مهرپرستی — مانند گذشته — آیین ساده‌ای نداشت که تنها شامل پرستش خورشید و قربانی کردن حیوانات باشد؛ بلکه دارای پیچیدگی بسیار شده بود؛ به طوری که برای تربیت پیروان خود مراحلی قائل شده بود و به آنان آموزش اخلاق و آداب پهلوانی می‌داد. در این دوره مغ‌ها که از بزرگان کشور به حساب می‌آمدند، عهده‌دار اداره آتشکده‌ها و امور معابد بودند. آنان در مجلس مهستان نیز حضور می‌یافتند.

از جمله معابدی که در این دوره بسیار مورد توجه قرار گرفت، معبد آناهیتا بود. آناهیتا خدای آب‌ها بود و به اعتقاد مردم، شکل یک زن بود. در اوایل دوره اشکانی، دین یهود در غرب ایران پیروانی داشت. با ظهور مسیحیت، این دین در بخش‌هایی از ایران به ویژه ارمنستان پیروانی یافت. چنان‌که پیش‌تر گفته شد، در نواحی شرقی

یک توضیح

کتاب‌های «ویس و رامین» و «سندبادنامه» از کتاب‌های مشهوری‌اند که قرن‌ها بعد از عصر اشکانی و در دوره اسلامی تاریخ ایران به نگارش درآمدند. پژوهشگران داستان‌های این دو کتاب را مربوط به دوره اشکانی دانسته‌اند.

به‌خصوص در آغاز پیدایش و شکل‌گیری آن، تحت تأثیر هنر تمدن‌های مشرق‌زمین پیشین و یونان قرار داشت. پس از مدتی، با تلفیق آن هنرها، اشکانیان هنر خاص خود را پدید آوردند. متأسفانه، بیشتر آثار هنری دوره اشکانی طی گذشت زمان از بین رفته‌اند.

سکه‌ها نمونه‌های خوبی از وجود سبک‌های مختلف هنری در عصر اشکانی است؛ برای مثال، در برخی از این سکه‌ها چهره پادشاه به صورت نیم رخ است و در برخی به صورت تمام رخ. پژوهشگران سکه‌های نوع اول را متأثر از سکه‌های سلوکی و سکه‌های نوع دوم را سکه‌های سبک اشکانی دانسته‌اند (به تصویر زیر نگاه کنید).



معماری و شهرسازی: در زمان اشکانیان علاوه بر شهرهای کهنی همچون بابل، ری، همدان، مرو و بلخ، شهرهای دیگری مانند کنگاور و تیسفون نیز بازسازی یا ساخته شد. در کوه خواجه در سیستان نیز بقایای یک شهر اشکانی کشف شده است.

شهرهای عصر سلوکی به شیوه شطرنجی ساخته می‌شد؛ یعنی مربع بود و خیابان‌های آن، یکدیگر را قطع می‌کردند. در دوره اشکانی ساخت شهرهای دایره‌وار رواج یافت؛ یعنی شهرهایی که به شکل دایره بود و گرداگرد آنها را دیواری از خشت فرا گرفته بود. شهرهای زمان اشکانیان عموماً شامل این قسمت‌ها بود:

– محل سکونت حاکم؛ در وسط شهر و به شکل یک قلعه؛

– خانه‌های بزرگان و اشراف؛

– خانه‌های سایر طبقات مردم چون کشاورزان، پیشه‌وران و صنعتگران.

هر شهر معابد و بازار یا بازارهایی نیز داشت. شهر معروف هاترا^۱ (الحضر) که در عراق امروزی قرار دارد، چون شهر مرزی میان ایران و روم بود، اهمیت زیادی داشت. این شهر دارای استحکامات و برج‌های دفاعی زیادی بود. **هنر عصر اشکانی:** هنر عصر اشکانی،

از آثار هنری دوره اشکانی سلاح‌ها، ظرف‌های شیشه‌ای، کوزه‌ها، نقش‌برجسته‌ها، مجسمه‌های کوچک و همچنین کارهای زیبایی بر روی عاج یافت شده است.

در کوه خواجه در سیستان، آثار نقاشی‌های دیواری اشکانی پیدا شده است. به‌علاوه، در خرابه‌هایی چون نسا و دورا نقاشی‌هایی باقی مانده است که یادگار هنر آن عصرند. پژوهشگران با بررسی آثار باقیمانده از روم و ایران باستان دریافتند که این دو بر یکدیگر تأثیر متقابل داشته‌اند. بدین ترتیب، روابط ایران و روم فقط به جنگ‌های دو کشور محدود نمی‌شد و جنبه‌های فرهنگی نیز داشت.



مجسمه‌ای از سنگ آهک مربوط به دوره اشکانی (قرن دوم میلادی)

یک توضیح

در دوره اشکانیان عده‌ای به خوانندگی مشغول بودند. این خوانندگان به گوسان معروف بودند. گوسان‌ها با سازهای خود در کوچه‌ها و بازارها قدم می‌زدند و سرودهای زیبا می‌خواندند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- حکومت اشکانی چگونه تأسیس شد؟ توضیح دهید.
- ۲- علل و چگونگی جنگ‌های ایران و روم در دوره اشکانیان را توضیح دهید.
- ۳- وضعیت دینی ایران در دوره اشکانیان چگونه بود؟
- ۴- ویژگی‌های شهرسازی در دوره اشکانیان کدام‌اند؟
- ۵- نظر شما در مورد نحوه حکومت و سیاست دینی حکومت اشکانی چیست؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره یکی از آثار تاریخی دوره اشکانی مطلبی بنویسید.
- ۲- مطلبی در مورد جریان و جزئیات یکی از جنگ‌های ایران و روم در دوره اشکانی بنویسید و علل و نتایج جنگ موردنظر را مشخص کنید.
- ۳- در دوره اشکانی اشعار حماسی که شخصیت‌های برجسته آن زمان را می‌ستود، مورد تشویق قرار می‌گرفت. یکی از قهرمانان دوره اشکانی را شناسایی و در چند سطر او را معرفی کنید.

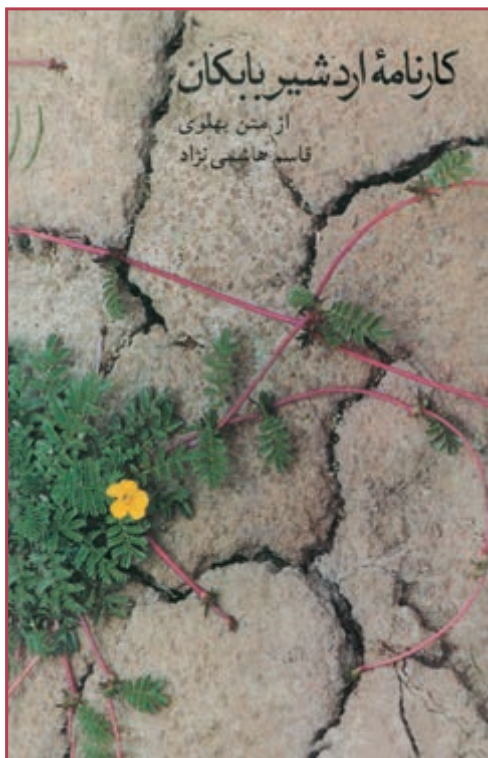
ساسانیان

مقدمه

در این درس با آخرین حکومت ایران باستان آشنا می‌شوید. اگرچه طلوع این حکومت در آن زمان برای ایران و ایرانیان مفید بود اما غروب آن به معنای پایان بی‌عدالتی و محو آثار کبر و نخوت ساسانیان و وابستگان آنها بود. با این حال، فرهنگ و تمدن ایران باستان در این دوره تداوم یافت و به صورت‌های مختلف جلوه‌گر شد. در این درس به اختصار با آن آشنا می‌شوید.

شامگاه اشکانیان، بامداد ساسانیان

اردشیر بابکان بنیانگذار حکومت ساسانیان است. او نزد مورّخانی که در قرن‌های نخستین هجری می‌زیستند، پادشاهی خوش‌نام است. جدّ او، ساسان، موبدی زردشتی بود که ریاست معبد آناهیتا را در پارس به عهده داشت. از این‌رو، خاندان ساسان در پارس از نفوذ و احترام لازم برخوردار بودند. ساسان با دختر حاکم پارس، ازدواج کرد و از آن پس موقعیت اجتماعی بهتری پیدا کرد و توانست جانشین پدرزن خود شود. چندی بعد، در زمانی که خاندان اشکانی به دلیل اختلافات داخلی و جنگ‌های خارجی ضعیف شده بودند، اردشیر (نوه ساسان) به فکر دست یافتن به حکومت افتاد.



کارنامه اردشیر بابکان، کتابی است که سرگذشت اردشیر را بیان می‌کند.

اردشیر می‌گفت که حکومت ملوک الطوایفی موجب آشفتگی اوضاع ایران شده است و نیز رواج ادیان و آیین‌های مختلف، دین زردشتی را تهدید می‌کند؛ او وعده می‌داد که اگر به قدرت برسد دین زردشتی را رسمیت خواهد بخشید و به جای شیوه ملوک الطوایفی حکومت مرکزی مقتدری ایجاد خواهد کرد و وسعت مرزهای ایران را به قبل از حمله اسکندر خواهد رساند. اردشیر تقریباً به وعده‌های خود عمل کرد. او پس از غلبه بر اردوان^۱ آخرین پادشاه اشکانی در چندین نبرد با حاکمان مناطق مختلف به پیروزی رسید. معابد بسیاری در شهرهای ایران برپا کرد و به جنگ رومیان رفت؛ زیرا دولت روم که خبر سقوط اشکانیان را شنیده بود، فرصت را مغتنم شمرده و در امور ارمنستان دخالت می‌کرد. او قصد داشت در آنجا حکومتی دست‌نشانده ایجاد کند (سرنوشت جنگ ایران و روم در زمان جانشین اردشیر، شاپور اول، روشن شد).

فرمانروایی دو شاپور: اردشیر، پیش از اینکه بمیرد، پسرش، شاپور، را به جانشینی خود

انتخاب کرد. شاپور پادشاهی شجاع بود. او در مدت فرمانروایی اش^۲ لشکرکشی‌های زیادی کرد. وی به ارمنستان رفت و حاکمی برای آن منصوب کرد. کوشان‌ها را در شرق ایران شکست داد. به‌ویژه، در جنگ‌هایی که با رومیان داشت به پیروزی رسید. مشهورترین نبرد او با رومیان، در زمان والرین^۳ امپراتور روم رخ داد که در آن، رومیان شکست خوردند و امپراتورشان اسیر ایرانیان شد. به دستور شاپور، خاطره این پیروزی را در چند نقش برجسته جاودانه ساختند.

در فاصله مرگ شاپور و پادشاهی شاپور دوم چند تن دیگر به حکومت رسیدند، ولی هیچ‌یک توانایی این دو را نداشتند. در این مدت، درباریان به دلیل ضعف پادشاهان در امور کشور دخالت می‌کردند و با یکدیگر به کشمکش می‌پرداختند. در این زمان، رومیان به پیروزی‌هایی دست یافتند و توانستند قسمت‌هایی از خاک ایران را تصرف کنند. غرب و شرق کشور نیز عرصه تاخت و تاز بیگانگان شد.



بقایای یک کاخ مربوط به دوره ساسانیان در سروستان فارس

۱- ۲۲۶ میلادی

۲- ۲۴۱-۲۷۱ میلادی

۳- Valerius



شاپور اول ساسانی پس از پیروزی بر رومیان و به اسارت در آوردن والرین امپراتور روم، دستور داد صحنه تسلیم شدن امپراتور روم را بر روی دیواره‌ای سنگی در فارس حک کنند. شما از این تصویر چه چیزهایی را برداشت می‌کنید؟



قلمرو ساسانیان

شاپور دوم، سومین پادشاه قدرتمند ساسانی بود^۱ که توانست به اوضاع کشور سروسامان بدهد. اعرابی را که موجب ناامنی در جنوب کشور بودند به شدت تنبیه کرد، ترکان ساکن شمال شرق را شکست داد و در نبردی بزرگ بر رومیان پیروز شد.

از دیگر اقدامات شاپور دوم سختگیری نسبت به عیسویان ایران است. در این زمان، دین مسیحی در روم رسمی شده بود. در نتیجه، مسیحیان ایران مورد سوءظن شاپور قرار گرفتند. او آنها را به چشم طرفداران روم نگاه می کرد؛ زیرا در جنگ با امپراتوری روم به شاه کمک نمی کردند. در نتیجه، به اقداماتی چون گرفتن مالیات های سنگین، جلوگیری از تبلیغ مسیحیت و حتی آزار و اذیت آنها دست زد. در این راه، موبدان زردشتی محرک و مشوق شاپور بودند^۲.

عصر انوشیروان: در فاصله مرگ شاپور دوم تا ظهور انوشیروان، چندین تن دیگر به حکومت رسیدند که دو تن از آنان از بقیه مشهورترند: بهرام گور و قباد. بهرام گور به جنگ هپتال ها^۳ رفت و پس از مدت ها توانست آنان را سرکوب کند. هپتال ها اقوامی بیابانگرد در شمال شرق ایران بودند که با حملات مکرر خود به شمال خراسان موجب ناامنی و زحمت مردم آن نواحی می شدند.

قباد نیز وارث مشکلات بسیاری بود. البته برای حل آنها تلاش کرد، اما توفیق زیادی نیافت. همزمان با روی کار آمدن قباد، جنگ های مکرر در شرق و غرب ایران ساسانیان را سر درگم کرده بود. به علاوه کشمکش با بزرگان که مدام در امور کشور دخالت می کردند و برای کسب قدرت

با یکدیگر به رقابت می پرداختند، شاهان ساسانی را دچار زحمت می کرد. از طرفی، مالیات های سنگین و ستم بر مردم، پریشانی اوضاع را بدتر می ساخت. وقوع خشکسالی نیز بر مشکلات افزود و قباد را در وضعیت سختی قرار داد. در چنین شرایطی مزدک ظهور کرد. او خود از اشراف

بود؛ اما اندیشه های تازه ای درباره شیوه اداره کشور مطرح کرد؛ از جمله، خواهان توزیع آذوقه در میان مردم قحطی زده و کاهش قدرت بزرگان (فرماندهان نظامی، زمین داران و...) بود. قباد، مزدک را وسیله ای برای کاهش قدرت بزرگان دید؛ بنابراین، او را به خود نزدیک کرد؛ اما گروهی از بزرگان که وجود مزدک را به زیان خود می دیدند با طرح این شعار که مزدک از اصول دین زردشتی منحرف شده است، علیه او و قباد دست به کار شدند. آنان قباد را برکنار ساختند و مزدک را زندانی کردند. مدتی بعد، قباد به کمک پادشاه هپتال ها دوباره به قدرت رسید و این بار برای حفظ قدرت از حمایت مزدک و طرفدارانش دست کشید. در نتیجه، مزدک و بسیاری از آنان به دست بزرگان خاندان ساسانی به قتل رسیدند. در این کار، انوشیروان نیز با بزرگان همراه بود.

خسرو انوشیروان در شرایطی به قدرت رسید که حکومت ساسانی با بحرانی جدی روبه رو بود. او برای سروسامان دادن به اوضاع کشور اصلاحاتی انجام داد؛ از جمله:

- ۱- ارتش را از نو سازماندهی کرد.
 - ۲- تقسیمات کشوری را تغییر داد.
 - ۳- روش جدیدی برای گرفتن مالیات برقرار نمود.
- روابط ایران و روم در دوره سلطنت انوشیروان،

۱- ۳۱۰-۳۷۹ میلادی

۲- مشکل مسیحیان با دولت ساسانیان سال ها ادامه داشت تا عاقبت در اواخر قرن پنجم میلادی، مسیحیان ایران اعلام کردند که در امور دینی خود مستقل هستند و از مسیحیان

روم پیروی نمی کنند. در نتیجه، از فشار به آنها کاسته شد و مسیحیان آزادی نسبی به دست آوردند.

۳- Hephthalites

بسیار متغیر بود. این روابط گاه دوستانه بود و بین دو کشور تبادل سفیر در جریان بود و گاه درگیری‌های مرزی در می‌گرفت. سرانجام دو کشور قرارداد صلحی امضا کردند که سال‌ها دوام داشت.



طاق کسری یا ایوان مداین مشهورترین اثر به‌جامانده از عصر ساسانی است که در کشور عراق امروزی قرار دارد. این بنا در فرهنگ و ادبیات ایرانیان به‌عنوان مظهر ناپایداری اوضاع جهان شناخته شده است.

یک توضیح

یکی از زمینه‌های رقابت ایران و روم در زمان خسرو انوشیروان، سرزمین یمن بود که به دلیل قرارگرفتن در مسیر تجارت دریایی اهمیت داشت. انوشیروان به منظور خارج کردن یمن از دست حاکم دست‌نشانده روم، سپاهی را به فرماندهی وه‌رز دیلمی به یمن فرستاد. این سپاه یمن را تصرف کرد و حکومت آنجا به دست ایرانیان افتاد. ایرانیان ساکن در یمن در زمان ظهور اسلام، مسلمان شدند.

روابط بازرگانی بدون واسطه ایران بودند. انوشیروان در یک لشکرکشی موفقیت‌آمیز، شکست سختی بر هپتال‌ها وارد کرد و برای همیشه به حکومت آنان خاتمه داد.

مسئله هپتال‌ها : سپس نوبت به حکومت هپتال‌ها رسید. فرمانروای هپتال‌ها در جنگ‌های خسرو بارومیان، جانب رومی‌ها را گرفت و علیه ایران جنگید؛ زیرا آنان از تسلط ایران بر جاده ابریشم ناراضی بودند و خواهان

ساسانیان در سراسیمبی سقوط

خسرو پرویز: پس از خسرو اول، حکومت ساسانی دوباره دچار ضعف شد. شورش یکی از فرماندهان نظامی به نام بهرام چوبین علیه هُرمز، جانشین خسرو، از جمله عوامل آشوب و ناامنی بود. در این میان خسرو پرویز، پسر هرمز که به روم گریخته بود به کمک امپراتور روم به ایران بازگشت و تاج و تخت را تصرف کرد. او با کشتار مخالفان، کوشید پایه‌های قدرتش را محکم کند.

خسرو پرویز آخرین پادشاه مشهور ایران باستان^۱ است. دو تن از زنانش مسیحی بودند که یکی از آن دو، دختر امپراتور روم بود. نتیجهٔ انس با این دو، نفوذ مسیحیان در دربار و آزادی بیش از حد آنان بود؛ عاملی که ناخرسندی موبدان و سایر درباریان را در پی داشت و از عوامل برکناری و قتل خسرو پرویز در چند سال بعد شد. خسرو پرویز مردی متکبر و خودپسند بود و همین نکته موجب رنجش و نفرت اطرافیان از وی شد. برخورد نامناسب او با فرستادگان پیامبر اسلام در تاریخ مشهور است.

در زمان فرمانروایی خسرو پرویز، امپراتور روم^۲ و خانواده‌اش در توطئه‌ای به قتل رسیدند. در نتیجه، خسرو به بهانهٔ انتقام خون پدرزنش به صلح ایران و روم پایان داد و به روم لشکر کشید. در این لشکرکشی، ابتدا پیروزی‌های زیادی نصیب خسرو پرویز شد؛ اما همان‌گونه که قرآن (در سورهٔ روم) پیش‌بینی کرده بود، شکست خورد و از مقابل سپاه روم گریخت. در بازگشت نیز از بدرفتاری با اطرافیان دست نکشید.

در اواخر سلطنت خسرو، اختلاف و نزاع سیاسی در دربار ساسانی دوباره اوج گرفت. شیرویه، پسر و جانشین

او، با همدستی اشراف و بزرگان، ضمن برکناری و قتل پدر، شمار زیادی از افراد خاندان شاهی از جمله برادرانش را کشت. رقابت و کشمکش‌های سیاسی در درون دربار چنان بالا گرفت که در فاصلهٔ چهار سال، ده نفر که دو تن از آنان دختران خسرو پرویز بودند بر تخت شاهی نشستند.

در سال‌های پایانی حکومت ساسانیان، بر اثر طغیان رودهای دجله و فرات و شکسته شدن سدها، بخش وسیعی از زمین‌ها و مزارع کشاورزی منطقهٔ سواد (مناطق مرکزی و جنوبی عراق کنونی) به زیر آب رفت و نابود شد. پیامد اقتصادی این حادثه برای امپراتوری ساسانی زیانبار بود؛ زیرا بخش مهمی از منابع درآمد خود را از مالیات آن منطقه تأمین می‌کرد. شیوع بیماری‌های مسری و مرگ شمار زیادی از ساکنان ناحیهٔ مذکور نیز شرایط را بدتر کرد.

سپاه ساسانی که در گذشته بارها توانمندی نظامی خود را در نبردهای بزرگ با دشمنان و مهاجمان به مرزهای ایران نشان داده بود، در اواخر عصر ساسانی، به سبب شورش سپهسالاران و دخالت آنان در درگیری‌های سیاسی، از آمادگی و توان رزمی مطلوبی برخوردار نبود و نتوانست در برابر حملهٔ اعراب مسلمان ایستادگی کند.

روابط ایرانیان و اعراب در دورهٔ ساسانیان

همسایگی شبه‌جزیرهٔ عربستان با فلات ایران، موجب برخورد و ارتباط مداوم ساکنان این دو سرزمین بود. امپراتوری‌های ایران باستان به منظور جلوگیری از هجوم و دستبرد قبایل بیابانگرد عرب به آبادی‌ها و شهرهای مرزی، اقدام به تأسیس امارت‌های وابسته از میان اعراب کردند. به همین منظور در دورهٔ ساسانی امارتی دست‌نشانده به

۱- ۵۹۰-۶۲۷ میلادی

۲- مورس

ریاست خاندان عرب لخمی (آل لخم) شکل گرفت که مرکز آن شهر مرزی حیره در ساحل غربی رود فرات بود. همچنین چندین مرزبان نشین ایرانی در نقاط حساس و مهم عربستان از جمله بحرین (هَجَر)^۱، عمان (مزون) و یمن مستقر بود.

هنگامی که خسرو پرویز حکومت لخمیان را به سبب تردید در وفاداری و اطاعت آنان نسبت به خود برانداخت، مرزهای جنوب غربی ایران آسیب پذیر شد. شکست واحدهایی از سپاه ساسانی در برابر یکی از قبیله های عرب در آبشخور ذوقار^۲ هیبت و اقتدار امپراتوری ساسانی را نزد اعراب فرو ریخت و به آنان جسارت داد که مکرر شهرها و آبادی های سواد را مورد یورش و غارت قرار دهند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا حکومت های هپتال و روم که از دشمنان ایران بودند، هر یک در مقطعی خاص از یکی از پادشاهان معزول یا شکست خورده ایرانی (قباد و خسرو پرویز) حمایت کردند و آنها را به پادشاهی بازگرداندند؟

فرهنگ و تمدن ایران عصر ساسانی

اوضاع اجتماعی: آنچه تاکنون خواندید، حدود ۴۰۰ سال تاریخ سیاسی ساسانیان بود. بیشتر این سال ها در جنگ ها و کشمکش های سیاسی طی شد. اما باید توجه داشته باشید که دوران حکومت ساسانیان همه در جنگ و خونریزی نمی گذشت؛ بلکه در این دوران طولانی، ایران یکی از دو قدرت بزرگ جهان بود. ایران شهرها و

روستاهای آبادی داشت که جمعیت آنها را کشاورزان، گله داران، پیشه وران، صنعتگران، تاجران و ... تشکیل می دادند. روستاییان ایرانی با آنکه زندگی خوبی نداشتند و همواره فشار مالیات ها بر دوش آنان سنگینی می کرد و از ترقی و دستیابی به مشاغل بالای اجتماعی محروم بودند، چندان شکایتی از زندگی خود نداشتند؛ زیرا تبلیغات ساسانیان به آنان باورانده بود که خون آنها با خون اشراف زادگان و بزرگان متفاوت است؛ یکی زاده شده بود تا کشاورز شود و دیگری به دنیا آمده بود تا آقای او باشد. توده مردم به دین زردشتی اعتقاد داشتند و براساس آموزه های آن زندگی می کردند. تعلیم و تربیت، ازدواج، شرکت در مراسم جشن و سرور یا عزاداری و بسیاری امور دیگر آنها براساس تعالیم دین زردشتی و آداب کهنی که از دوران قبل بر جا مانده بود، برگزار می شد. آنان هنگام صلح زندگی نسبتاً آرامی داشتند و هنگام جنگ به اجبار یا به انگیزه های دینی و ملی به صف سپاهیان می پیوستند و به نبرد با دشمنان می پرداختند.

جامعه عصر ساسانی، جامعه ای طبقاتی بود. در یک طرف بزرگان قرار داشتند که شامل خاندان شاهی، خاندان های قدیمی^۳، حاکمان ولایات و مقامات دولتی و نظامی می شدند و در طرف دیگر، توده مردم بودند؛ یعنی کشاورزان، صنعتگران و پیشه وران. ارتقا از طبقه دوم به طبقه نخست غیرممکن بود.

عصر ساسانی، به ویژه عصر انوشیروان، دوران شکوفایی فرهنگ و تمدن ایران باستان است. گرچه این فرهنگ و تمدن تا حد زیادی درباری بود و با دستگاه حاکم ارتباط بسیاری داشت، با این حال، بقایای آن نشانگر ذوق

۱ - بحرین یا هجر به نواحی ساحلی جنوب خلیج فارس که اکنون احسا نام دارد، گفته می شد.

۲ - آبشخور ذوقار در جنوب عراق میان شهرهای کوفه و واسط واقع بوده است.

۳ - واسپوهران

و استعداد دانشمندان، هنرمندان و ادیبان ایرانی است؛ به طوری که حتی با ظهور اسلام، میراث تمدن ساسانیان تداوم یافت و به حیات خود ادامه داد؛ مانند طاق و ایوان در معماری ساسانی که در مساجد اسلامی جلوه گر شد؛ یا آثاری چون کلیل و دمنه^۱، ویس و رامین و مضامین ادبی که در دوران اسلامی نیز به حیات خود ادامه داد.

اگر چه شاهان ساسانی در شیوه حکومت، روشی جز استبداد نمی شناختند، خون انسان های پیرامونشان از نظر آنان ارزشی نداشت و به راحتی دستور قتل و حبس خطاکاران را صادر می کردند؛ اما برخی از آنان مانند شاپور و انوشیروان به دانش و گسترش آن علاقه داشتند.

دین: خاندان ساسانی پس از به قدرت رسیدن، برای توسعه دین زردشتی کوشش بسیار کردند؛ آتشگاه های زیادی در گوشه و کنار ایران بر پا نمودند، زمین های کشاورزی را وقف آنها کردند و موبدان را ارتقا بخشیدند. موبدان اجرای مراسم دینی و آموزش احکام دین زردشت را به عهده داشتند و رئیس آنان را موبدان موبد می گفتند. در بیشتر روستاها و شهرها آتشکده ای قرار داشت؛ اما در سراسر کشور سه آتشکده از بقیه مهم تر بودند :

۱- آتشکده آذر فرنبغ در فارس؛ مخصوص موبدان

۲- آتشکده آذر گشنسب در آذربایجان؛ مخصوص

شاهان و جنگ جویان

۳- آتشکده آذر برزین مهر در خراسان؛ مخصوص

کشاورزان

صابئین: آیین پیروان حضرت یحیی است که طرفداران آن بیشتر در میان دورود می زیستند. صابئین مراسم دینی و آداب و رسوم ویژه ای داشتند؛ مثلاً، خوردن گوشت گاو را حرام می دانستند و نماز صبح را پس از

طلوع آفتاب می خواندند.

مانویان و مزدکیان: مانی از دانشمندی بود که در زمان شاپور اول ظهور کرد. او با ادیان و اندیشه های عصر خود آشنایی کافی داشت و اختلاف مذاهب مختلف همواره ذهنش را مشغول می داشت. از این رو، سعی کرد با گزینش بخش هایی از آموزه های ادیان مسیحی، زردشتی، بودایی و ...، آیین جدیدی به وجود آورد. او به واسطه هنر و دانش خود به شهرت رسید و به دربار راه یافت و اندیشه های خود را به شاپور عرضه کرد. شخصیت مانی توجه شاپور را به خود جلب کرد. او، مانی را در تبلیغ اندیشه های خود آزاد گذارد؛ اما موبدان که از این کار ناخرسند بودند علیه مانی دست به کار شدند و شاپور را واداشتند تا از حمایت او دست بکشد. سرانجام، در زمان بهرام اول فرمان قتل مانی را از شاه گرفتند، ولی پیروان او دست از اعتقادات خود برنداشتند. آیین مانی به مرور توسط پیروانش در ایران و به ویژه در آسیای مرکزی، طرفداران زیادی یافت. مانی چندین کتاب نوشت که از آن میان، ارژنگ شهرت بیشتری دارد. او از نخستین نویسندگانی است که اهمیت تصویر در آموزش را دریافته بود. به همین دلیل، کتاب ارژنگ وی که مخصوص مردم عادی نوشته شده بود، تصاویر زیادی داشت.

مزدک آیین تازه ای با خود نیاورد. او علاوه بر گرایش های اجتماعی و سیاسی تفسیر تازه ای از موضوع نور و ظلمت ارائه کرد. مزدک معتقد بود که پیروزی خیر بر شر قطعی است و وظیفه مردم یاری رساندن به خیر است. هرچند او نیز توسط مخالفانش به قتل رسید؛ اما اندیشه هایش تا چند قرن از بین نرفت و پیروانش اندیشه های وی را گسترش دادند.

۱- اصل این اثر از هند بود که توسط برزویه طبیب، در دوره انوشیروان به ایران آورده شد و به زبان پهلوی ترجمه گردید.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، ظهور آیین‌های مزدک و مانی

نشانگر چه مسائلی در دوره ساسانی است و این

آیین‌ها چه پیامدهایی داشت؟

به عهده داشت، اداره می‌شد. در رأس آنان، وزیر اعظم قرار داشت که نزدیک‌ترین فرد به شاه بود و می‌توانست در او نفوذ بسیار داشته باشد.

هریک از استان‌ها و شهرهای کوچک و بزرگ حاکمی داشت که امور آن را اداره می‌کرد. شیوه کشورداری ساسانیان بعدها مورد تقلید بنی عباس و حکومت‌های پس از آنان قرار گرفت.

خط، ادبیات و آموزش: مشهورترین خط‌های رایج در عصر ساسانیان، خط پهلوی اشکانی و خط پهلوی ساسانی است. این خط‌ها از خط آرامی اقتباس شده بود و همه مکاتبات اداری، نوشته‌های ادبی و تاریخی و کتیبه‌های شاهان ساسانی بر سینه صخره‌ها و... به این خط‌ها نوشته می‌شد. از بسیاری از شاهان ساسانی، کتیبه‌های متعددی باقی مانده است که چگونگی فتوح، تاج گذاری و... را بیان می‌کند و ارزش ادبی و تاریخی فراوانی دارد.

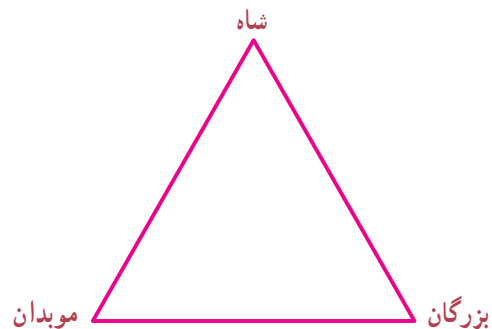
در زمان ساسانیان تنها فرزندان بزرگان آموزش می‌دیدند و فرزندان مردم عادی از آموزش محروم بودند. آنها بیشتر مطالب اوستا را آموزش می‌دیدند. تیراندازی، چوگان بازی و شنا از دیگر کارهایی بود که جوانان به آن مشغول می‌شدند تا هنگام جنگ آمادگی لازم را داشته باشند.

جندی شاپور از مراکز مهم آموزش و پژوهش بود و دانشمندان و پزشکان بسیاری در آن به کار و پژوهش مشغول بودند. انوشیروان عده‌ای را برای کسب علوم به هند فرستاد. او عده‌ای از فلاسفه یونان را که از تنگ نظری و تعصب مسیحیان روم، به ایران پناهنده شده بودند به گرمی پذیرفت و از آنان حمایت کرد.

معماری و حجاری: خرابه‌های چندین کاخ و آتشگاه در فیروزآباد، بیشاپور و... جلوه گاه معماری

عده‌ای از ایرانیان نیز یهودی، مسیحی و بودایی بودند. از این میان، مسیحیت رقیب سرسخت آیین زردشت به حساب می‌آمد؛ اما با انقراض حکومت ساسانی و گسترش اسلام در ایران همه آنها نفوذ گسترده خود را از دست دادند.

اداره کشور: ساسانیان خود را وارث هخامنشیان می‌دانستند؛ بنابراین، می‌کوشیدند شیوه کشورداری آنان را احیا کنند و مورد تقلید قرار دهند. به طور کلی، تمرکز و عدم تمرکز قدرت در زمان ساسانیان را می‌توان به کمک مثلث زیر نشان داد.



همان گونه که خواندید، بزرگان شامل کسانی همچون اعضای خاندان سلطنتی، مقامات دولتی و فرماندهان سپاه بودند. اگر شاه فردی قدرتمند بود، از نفوذ بیش از حد بزرگان و موبدان کاسته می‌شد و اگر کفایت لازم را نداشت، دو ضلع دیگر این مثلث قدرت بیشتری می‌یافتند. در دوران ساسانی، هر یک از امور مالی، اقتصادی، کشاورزی، اداری و... زیر نظر فردی که ریاست آن را

عصر ساسانی است. معماران این دوره در اوایل دنباله‌رو معماران عصر اشکانی بودند؛ اما با گذشت زمان، در بنای کاخ‌ها و آتشگاه‌ها شیوه‌ها و سبک‌هایی در پیش گرفتند که در گذشته فراگیر نبود؛ مانند استفاده از طاق و ایوان؛ با استفاده از طاق، دیگر به برپایی ستون نیاز چندانی نبود. معماران عصر ساسانی از گچ‌بری‌های زیبا و گاه کاشی‌کاری استفاده می‌کردند. کاخ‌هایی مانند کاخ تیسفون (معروف به ایوان کسری) و کاخ فیروزآباد در زمان خود شکوه و جلال زیادی داشتند و چشم همگان را خیره می‌کردند. شاهان ساسانی در این کاخ‌ها به اداره امور می‌پرداختند، دستورات لازم را صادر می‌کردند، فرستادگان حکومت‌های دیگر را به حضور می‌پذیرفتند و نیز به تفریح و خوشگذرانی می‌پرداختند.

برخلاف بناها و شهرهای دوره ساسانی که در گذر زمان جز خرابه‌هایی از آنها باقی نمانده است، نقش برجسته‌های فرمانروایان ساسانی در فارس، کرمانشاه و ... با گذشت صدها سال - تا اندازه‌ای سالم مانده و مورد توجه پژوهشگران است. موضوع این نقش برجسته‌ها شامل مراسم تاجگذاری، جنگ و شکار شاهان ساسانی است.

هنر و صنعت: علاوه بر فعالیت‌های هنری ذکر شده در عصر ساسانی، قالی‌بافی، پارچه‌بافی، فلزکاری و شیشه‌گری نیز رونق بسزایی یافت. در این عصر، پارچه‌های بافت ایران در روم مشتریان زیادی داشت. فلزکاران ماهر در خدمت شاهان و شاهزادگان بودند و برای آنان ظروف بسیار ظریف و زیبایی از طلا و نقره می‌ساختند. نمونه‌هایی از این ظروف امروزه در موزه‌های اروپا توجه پژوهشگران و علاقه‌مندان را به خود جلب می‌کند.

در آن زمان، موسیقی نیز رونق داشت. موسیقی‌دانان و آوازه‌خوان‌های دربار را هُنیَاگَر (خُنیاگر) می‌گفتند. آنان

برای شاهان انواع ترانه‌ها را می‌ساختند و به مناسبت‌های مختلف اجرا می‌کردند. خسرو پرویز بیش از سایر شاهان ساسانی به موسیقی علاقه داشت؛ به طوری که ساعات خود را به چهار قسمت تقسیم کرده بود و یک قسمت آن را به شنیدن موسیقی اختصاص داده بود.

بازرگانی: در این دوره، جاده ابریشم جولانگاه کاروان‌های بازرگانی بود. این کاروان‌ها کالاهای ساخت چین، هند، ایران و روم را از سرزمینی به سرزمین دیگر می‌بردند. در خلیج فارس صید مروارید رواج داشت. همچنین شهرهای میناب، سیراف و بوشهر در بازرگانی این دوره نقش بسزایی داشتند. مالیاتی که از بازرگانان و کشاورزان دریافت می‌شد، ثروتی انبوه بود که صرف مخارج دولتی و زندگی پرتجمل خاندان ساسانی، بزرگان و حاکمان می‌شد. ساسانیان برای حفظ جاده ابریشم و تسلط بر آن تلاش زیادی می‌کردند.



ظرف نقره‌ای مربوط به دوره ساسانی. به نظر شما، نقوش روی این ظرف چه آگاهی‌هایی در مورد دوره ساسانیان در اختیار ما می‌گذارد. درباره این موضوع در کلاس بحث کنید یا مطلبی در چند سطر بنویسید.

یک توضیح

باربد از مشهورترین موسیقی دانان و آوازه خوان های این دوره است. او بسیار علاقه مند بود که به دربار خسرو پرویز وارد شود؛ اما خنیاگر دربار، نکيسا، به او اجازه این کار را نمی داد. عاقبت، روزی باربد در بالای درختی که در مسیر شاه بود، پنهان شد و به خواندن آواز مشغول گشت. شاه با شنیدن صدای باربد بدان علاقه مند شد و سراغ او را گرفت. از آن پس، وی نیز به گروه خنیاگران خسرو پرویز پیوست و به شهرت زیادی دست یافت.



سکه دوره ساسانی از جنس طلا مربوط به زمان شاپور اول. چه چیزهایی را بر روی این سکه می بینید؟

پرسش های نمونه

- ۱- اردشیر بابکان اهداف حکومت خود را چه چیز اعلام کرد و پس از رسیدن به حکومت چه اقداماتی انجام داد؟
- ۲- اوضاع ایران در فاصله حکومت شاپور اول و شاپور دوم چگونه بود؟
- ۳- برخورد شاپور دوم با مسیحیان چگونه بود؟ علت آن چه بود؟
- ۴- انوشیروان چه اقدامات مهمی انجام داد؟
- ۵- ترکیب جامعه در عصر ساسانی چگونه بود؟ آن را با دوره های هخامنشی و اشکانی مقایسه کنید.
- ۶- علت ظهور اندیشه های مانوی و مزدکی در دوره ساسانی چه بود؟
- ۷- جایگاه ایران عهد ساسانی را در جهان معاصر با آن چگونه ارزیابی می کنید؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره روابط فرهنگی ایران با دیگر کشورها در عصر ساسانی مطلبی تهیه کنید.
- ۲- یکی از بناها و نقش برجسته های دوره ساسانی را در چند صفحه توصیف کنید.
- ۳- دوران حکومت و اقدامات خسرو انوشیروان را با حکومت و اقدامات داریوش اول هخامنشی مقایسه و ارزیابی کنید.